

نقش گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه کارآفرینی

مصطفی جوانرودی^{۱*}، نسیم شریفی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۶

چکیده

اگر چه کارآفرینی رویکرد جدید در نظام آموزش عالی است؛ اما فراوانی دانش‌آموختگان فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار مناسب، آن را چالش می‌کشد. زبان عربی، علاوه بر اینکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است و با زبان فارسی کاملاً آمیخته است، ضروری‌ترین ابزار دادوستد علمی و فرهنگی در بیشتر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم قرآنی، فقه، فلسفه، اقتصاد، تاریخ، الهیات، و... است. از این‌رو گروه‌های زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌ها می‌توانند با اقداماتی از قبیل: اصلاح سرفصل‌های درسی و ایجاد درس‌های جدید متناسب با نیاز جامعه، به‌روز کردن خلاقیت‌ها و، ایجاد گرایش‌های جدید و میان‌رشته‌ای، توجه به ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان برای ترویج قابلیت‌های کارآفرینی در دانشجویان این رشته گام بردارند، تا ضمن همسویی با دنیای کار و پیش‌بینی نیازهای اجتماعی، ظرفیت‌های کارآفرینی، ابتکار و خلاقیت را در نیروی انسانی توسعه دهند و امکان اشتغال دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فراهم سازند. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و در آن برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با صاحب‌نظران رشته کارآفرینی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی؛ زبان عربی؛ آموزش عالی؛ ترویج کارآفرینی.

۱. مقدمه

یکی از مسائل پیش روی کشور، دانش آموختگانی هستند که توانایی های فردی و مهارت های لازم را برای راه اندازی کسب و کار مناسب ندارند و اغلب به جای ایجاد فرصت های شغلی و کارآفرینی و مشارکت در توسعه ملی، خود به دنبال استخدام شدن هستند. رشته زبان و ادبیات عربی از جمله رشته های دانشگاهی در ایران است که دانش آموختگان آن از این حیث به طور جدی با این مسئله مواجه هستند و از آن رنج می برند.

علی رغم تحولات آموزش زبان عربی در سال های اخیر در ایران، آموزش این زبان همچنان با کمبودها و مشکلات بسیاری مواجه است. از جمله این کمبودها می توان به آموزش مهارت های زبان عربی اشاره کرد. دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی حتی بعد از فارغ التحصیلی از دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد، دچار مشکلات فراوانی در به کارگیری این مهارت ها هستند (متقی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۶). از دلایل این امر می توان به جایگاه نامناسب علوم انسانی در ایران، مدرک گرایی، حاکمیت تفکر مهندسی، جایگاه زبان عربی در بین دانشجویان، وضعیت کتاب های درسی، وضعیت گروه های زبان و ادبیات عربی، شیوه های تدریس درس های عربی در دانشگاه ها و... اشاره کرد (رسولی، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۳).

از جمله راهکارهای مناسبی که بیشتر کشورها برای رفع این مشکل مورد توجه قرار داده اند ترویج کارآفرینی در دانشگاه ها بوده است. در واقع نظام آموزش عالی این کشورها با مداخله گری برنامه ریزی شده، تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی و حل مسئله بیکاری داشته است. توجه به فرایند کارآفرینی در دانشگاه ها تا بدان جاست که سازمان علمی آموزش ملل متحد در چشم انداز آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه های نوین را این گونه تعریف نموده است: جایگاهی که در آن مهارت های کارآفرینی به منظور تسهیل قابلیت های دانش آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار توسعه می یابد (بونسکو، ۲۰۰۳).

در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به کارآفرینی توجهی نشده بود، اما در برنامه سوم به علت وجود بیکاری گسترده به ویژه در میان جوانان و دانش آموختگان دانشگاه ها و پیش بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت.

۲. پیشینه تحقیق

ازجمله تحقیقاتی که در رابطه با موضوع این پژوهش صورت گرفته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رسولی (۱۳۸۴: ۵۸-۴۳) در پژوهشی با عنوان «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران: مبانی تعریف گرایش‌ها»، جایگاه نامناسب زبان عربی در ایران، کم‌استعدادی دانشجویان زبان عربی، جایگاه نامناسب علوم انسانی، بی‌انگیزگی دانشجویان زبان عربی، روش‌های نامناسب تدریس استادان، برنامه‌های درسی نامناسب و ابزارهای آموزشی بی‌کیفیت را ازجمله عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانسته‌است. مهم‌ترین راهکار نویسنده برای رفع این مشکلات، تأسیس گرایش جدیدی در حوزه آموزش زبان عربی است. متقی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۱۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته»، به این نتیجه رسیدند که گروه‌های زبان و ادبیات عربی می‌توانند با توجه بیشتر به بخش‌های متن‌محور در کتاب‌های درسی، درج دروسی مانند مهارت‌های ترجمه، ترجمه هم‌زمان، ترجمه از فارسی به عربی، آشنایی با اصطلاحات تخصصی، کارگاه ترجمه، فناوری‌های نوین و... در دوره دبیرستان، زمینه‌های ایجاد تغییر در دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به خشک و قواعدمحور بودن زبان عربی را ایجاد کنند و از نتایج به‌دست‌آمده آنها در آموزش زبان عربی در دوره‌های دانشگاهی استفاده کنند.

سلیمی (۱۳۸۶: ۱۹۸-۱۷۵) در تحقیقی با عنوان «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران: نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها»، سنتی بودن شیوه‌های آموزش و قواعدمحور بودن آنها را از مهم‌ترین مشکلات آموزش و یادگیری زبان عربی در ایران دانسته و راهکارهایی چون توجه به محوریت متن، لزوم تقسیم‌بندی قواعد بر مبنای بسامد کاربرد و لزوم تأسیس گرایش‌های جدید در سطوح عالی آموزش ارائه داده‌است.

میرزایی و سلیمی (۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۱۹) در تحقیقی با عنوان «نقش‌آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها»، به این نتیجه رسیدند که گروه زبان و ادبیات عربی می‌تواند با همکاری گروه‌های زبان و ادبیات فارسی، اقتصاد، الهیات، تاریخ، فلسفه

اسلامی و... گرایش‌های بین‌رشته‌ای مانند ادبیات تطبیقی، اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا، آینده‌پژوهی سیاسی خاورمیانه، فلسفه و تمدن اسلامی، فرهنگ و علوم قرآنی را ایجاد کند و همچنین با همکاری گروه‌های ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، و باستان‌شناسی مرکز زبان‌شناسی را در دانشگاه تأسیس کند که در تولید دانش و ایجاد مهارت لازم برای دانش‌آموختگان مؤثر باشد.

گفتنی است رشته زبان و ادبیات عربی در سال‌های اخیر با کم‌توجهی خاصی روبه‌رو شده است. از این رو این پژوهش می‌خواهد با تکیه بر ایجاد تغییرات اساسی و نوآوری در سطح گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات عربی نگرش و دیدگاه نسبت به این رشته را تغییر دهد و آن را بازنگری کند. اقداماتی که در این زمینه انجام شده‌اند، عبارتند از: تغییر نوع آموزش‌های مورد نیاز رشته زبان و ادبیات عربی؛ تغییر و بازنگری سرفصل‌های کتاب‌های درسی؛ استفاده از اساتید مجرب؛ ایجاد گرایش‌های میان‌رشته‌ای؛ و همچنین معرفی زمینه‌های کاری و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی.

۳. کارآفرینی در آموزش عالی

«طی دهه‌های گذشته آمار بیکاری در سراسر جهان با افزایش روبه‌رو بوده است. به‌ویژه افراد جوان با مشکل ورود به بازار کار مواجه شده‌اند. یکی از دلایل آن نداشتن تجربه کاری است. بر طبق نظر حسین و همکاران، آموزش نمی‌تواند مانع بیکاری افراد شود و بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قادر به یافتن شغل نیستند» (حسین و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۸۴). برای رفع این معضل، سیاست‌گذاران آموزش عالی پیشنهاد کردند که افراد باید به خوداشتغالی بپردازند؛ بنابراین برخی از دانشگاه‌ها شروع به ارائه دوره‌های آموزش کارآفرینی کردند» (آدجی‌مولا، اولفان‌میلاو، ۲۰۰۹: ۸۲). تحقیقات صورت‌گرفته درباره کارآفرینی بیشتر به موضوعاتی از قبیل کسب و کارهای کوچک، ویژگی‌های کارآفرینان، رفتار و مهارت‌های کارآفرینان، کارآفرینی سازمانی و مستقل پرداخته و کمتر به موضوع برنامه درسی کارآفرینی، اهداف، محتوا، و

شیوه‌های تدریس کارآفرینی توجه کرده‌اند (احمدزاده، ۱۳۸۵). مواردی که در این دوره‌ها بیشتر به آنها توجه شده عبارتند از: ترکیب اعضای برگزارکننده دوره‌ها؛ نوع فعالیت‌های آموزشی کارآفرینی؛ اهداف آموزشی؛ مناسب بودن محتوای دوره‌های آموزشی؛ کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس؛ ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه؛ ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی؛ ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی؛ گسترش پژوهش‌ها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان؛ حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم برای راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان؛ اثربخشی دوره‌های کارآفرینی؛ تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و موارد یادشده با یکدیگر برای تربیت دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین (صمدآقایی، ۱۳۷۸).

ساختارهای موجود در دانشگاه‌های کشور با هدف آموزش تخصصی دانشجویان شکل گرفته‌اند؛ از این رو تقویت و تربیت کارآفرینی در دانشجویان کمتر مدنظر قرار گرفته‌است، به طوری که فارغ‌التحصیلان فعلی دانشگاه‌ها اغلب با مفاهیم اولیه کارآفرینی آشنایی ندارند. علاوه بر ضعف نظام آموزشی دانشگاه‌ها در آموزش مفاهیم کارآفرینی، نبود ساختارهای مکمل به منظور ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی برای ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان از ضعف‌های دیگر نظام آموزش عالی کشور است. انبوه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باعث پر شدن ظرفیت استخدام در سازمان‌های دولتی و حتی خصوصی شده‌است، به طوری که درصد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها امکان جذب در این سازمان‌ها را ندارند. این موضوع زمینه‌های مهاجرت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به کشورهای دیگر را فراهم آورده و بیکاری فارغ‌التحصیلان باقی‌مانده را به یک معضل مهم در کشور تبدیل کرده‌است.

۳-۱. مفهوم کارآفرینی در آموزش عالی

نخستین گام برای شناخت و تبیین درست هر مفهوم یا پدیده، ارائه تعریفی روشن از آن است. کارآفرینی همانند سایر واژه‌های مطرح در علوم انسانی، هنگامی قابل تحلیل و تبیین است که بتوان تعریف یا تعاریف روشن و مشخصی از آن ارائه نمود. از آنجاکه مفاهیم علوم انسانی در زمره مفاهیم قطعی علوم تجربی به شمار نمی‌رود، ارائه یک تعریف قطعی و مشخص برای

واژه های آن، کاری دشوار و حتی غیرممکن است. «کارآفرینی» نیز یکی از واژه هایی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و از ابتدای طرح آن در محافل علمی، تعاریف متفاوت و حتی متناقضی از دیدگاه های گوناگون برای آن ارائه شده است.

وقتی از بسیاری از مردم و حتی نخبگان دانشگاهی جامعه سؤال می شود که «کارآفرینی» چیست یا «کارآفرینان» چه کسانی هستند، به سرعت پاسخ می دهند: «کارآفرینی» ایجاد کار و شغل است و «کارآفرین» کار ایجاد می کند. اما درحقیقت چنین نیست. این، ابتدایی ترین تعریف کارآفرینی و کارآفرین است. به گفته متخصصان و کارشناسان، کارآفرینی قصه زندگی انسان های موفق هر جامعه است که به جای انتظار برای به کارگرفته شدن در کسب و کار دیگران، خودشان کسب و کار راه می اندازند. به گفته دکتر احمد پوردریانی، کارآفرینان قهرمانان توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع هستند (صمدآقایی، ۱۳۷۸). رضائیان از قول تفت^۱ کارآفرینی را این گونه تعریف می کند: «فراگرد شکار فرصت ها به وسیله افراد (به طور انفرادی یا در سازمان ها) بدون در نظر گرفتن منابع موجود و در اختیار آنها» (رضائیان، ۱۳۸۵: ۶۶). کارآفرینی فرایند یا مفهومی است که در آن فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید و با بسیج منابع به ایجاد کسب و کار و شرکت های نو، سازمان های جدید، نوآور و رشد یابنده مبادرت می ورزد. این امر همراه با پذیرش خطرات است ولی اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه می شود. بنابراین «کارآفرینان» عوامل تغییر هستند که گاهی موجب پیشرفت های حیرت انگیز نیز شده اند. بنابراین کارآفرینی را فراتر از شغل و حرفه، باید یک شیوه زندگی دانست که با ایجاد و انتقال آن به نسل جدید، بسیاری از مشکلات و آسیب های اجتماعی موجود برطرف می شود. بر اساس تعریف جان ساویر^۲ در سال ۱۹۵۸، کارآفرینی نه تنها در واحدهای کسب و کار، که در سایر سازمان ها و در همه وظایف و کارها، چه کارهای کاملاً نوآورانه و چه کاملاً ساده می تواند دیده شود. اگر کارآفرینی را نه تنها جزئی از زندگی، بلکه خود زندگی بدانیم که باید از حرکت و پویایی لازم برخوردار باشد، به جای آنکه فعالیت و رشد اندیشه فراگیران را در فرایند یاددهی و یادگیری، با رفتارهای خشک،

1. Sheila Tefft
2. John Sawyer

فشرده و تکراری مسدود کنیم، فرصت اندیشیدن را از آنان نمی‌گیریم و شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌سازیم که تمام افراد به تلاش و اندیشه بپردازند. در این راه نقش آموزش عالی به دلیل تأثیرات بنیادین آن در تحولات اجتماعی اهمیت زیادی دارد.

۲-۳. تاریخچه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است. بیش از پنجاه سال است که کارآفرینی بخشی از برنامه درسی در مؤسسات آموزش عالی در امریکای شمالی است. اولین دوره کارآفرینی در سال ۱۹۴۸ در دانشگاه هاروارد ارائه شد. هم‌اکنون آموزش کارآفرینی در بیشتر دانشگاه‌های ایالات متحده ارائه می‌شود و هر روز تقاضای دانشجویانی که تمایل دارند تا دوره‌های کارآفرینی را برای برنامه‌ریزی کسب و کار، مدیریت فناوری و مالی بگذرانند، افزایش می‌یابد. کانادا و برخی کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند، و مالزی نیز گام‌های اساسی برای حمایت از کارآفرینی برداشته‌اند؛ این حمایت‌ها شامل ارائه راهنمایی‌های عملی، مشاوره، ارائه تسهیلات مالی و برگزاری دوره‌های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون یا خارج از دانشگاه‌هاست (گیپ، ۱۹۹۰: ۱۱).

بر اساس بند ۲- الف، راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره ۲ از لایحه برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، به کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی تأکید شده است؛ بنابراین برای توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی، به‌ویژه ابعاد آموزشی و پرورشی دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم آوردن مشارکت هرچه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور تهیه و برای اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ شد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور» را که به‌اختصار «کاراد» نامیده می‌شود، به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۶۳ نسبت به سازمان‌دهی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های مجری طرح اقدام کرده است (مقیمی، ۱۳۸۱: ۲).

۴. گروه‌های آموزشی و ترویج کارآفرینی

گروه آموزشی، یکی از تقسیمات دانشگاهی است که از اعضای هیئت علمی در رشته‌ای از علوم و معارف بشری با یک زمینه کاملاً تخصصی یا کاربردی تشکیل می‌شود و عهده‌دار آموزش و ارائه خدمات پژوهشی در ارتباط با یک رشته و یا یک شاخه است. بر اساس آیین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مصوبه ۱۳۷۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، گروه آموزشی «واحدی است متشکل از اعضای هیئت علمی متخصص در یک رشته از شعب دانش بشری که در دانشکده یا آموزشکده‌ای دایر است و اعضای هیئت علمی گروه مجموعاً شورای آن گروه را تشکیل می‌دهند» (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجموعه قوانین آموزش عالی، ۱۳۷۲: ۴۵۶). هر گروه آموزشی حداقل پنج عضو هیئت علمی تمام‌وقت دارد که دست‌کم سه نفر از آنان در مرتبه استادیاری و یا بالاترند و تابع دانشکده است.

ارتقای کیفیت عملکرد دانشگاه‌ها در گروی گروه‌های آموزشی توانمند و شایسته است. از این رو، ارزیابی عملکرد گروه‌های آموزشی یکی از مسئولیت‌های مهم مدیران و مسئولان دانشگاهی برای توسعه حرفه‌ای و حفظ و ارتقای آموزش عالی است.

در مصوبه «آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری» که در جلسه ۶۸۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد وزیر علوم، تحقیقات و فناوری وقت در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۱ به تصویب رسیده‌است، برخی از وظایف گروه‌های آموزشی به این شرح است:

۱. تنظیم برنامه‌های آموزشی که برای تدریس در آن رشته لازم است؛
۲. نظارت بر نحوه ارائه درس‌ها، بررسی و اظهارنظر در مورد متون درسی و محتوای درس‌ها بر اساس برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوب؛
۳. اظهارنظر درباره ساعات تدریس و تحقیق اعضای گروه؛
۴. بررسی طرح‌های تحقیقی و پیشنهاد به شورای آموزشی - پژوهشی دانشکده یا آموزشکده؛
۵. پیش‌بینی نیاز گروه به استخدام اعضای هیئت علمی متخصص و پیشنهاد به رئیس دانشکده برای ارجاع به مراجع ذی‌ربط؛

۶. ارزیابی سالانه کارگروه برای طرح در شورای آموزشی - پژوهشی؛

۷. برنامه‌ریزی در مورد درس‌ها طبق اختیاراتی که شورای عالی برنامه‌ریزی تفویض کرده‌است؛

۸. بررسی و اعلام نظر برای اصلاح سرفصل‌ها و تجدیدنظر در عنوان درس‌ها (از حیث اصلی یا اختیاری بودن) و همچنین تعیین محتوای درس‌ها با توجه به آخرین پیشرفت‌های علمی برای پیشنهاد و تصویب در شورای عالی برنامه‌ریزی.

به نظر می‌آید گروه‌های زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌ها در انجام برخی از این وظایف کوتاهی کرده‌اند؛ به‌ویژه در زمینه: «بررسی و اعلام نظر برای اصلاح سرفصل‌ها و تجدیدنظر در عنوان درس‌ها (از حیث اصلی یا اختیاری بودن) و همچنین تعیین محتوای درس‌ها با توجه به آخرین پیشرفت‌های علمی برای پیشنهاد و تصویب در شورای عالی برنامه‌ریزی»، «پیش‌بینی نیاز گروه به استخدام اعضای هیئت‌علمی متخصص و پیشنهاد به رئیس دانشکده برای ارجاع به مراجع ذی‌ربط» و «نظارت بر نحوه ارائه درس‌ها و بررسی و اظهارنظر در مورد متون درسی و محتوای درس‌ها بر اساس برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوب».

اکنون با توجه به انبوه فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاهی به‌خصوص در این رشته و همچنین با توجه به اهمیت و جایگاه گروه‌های عربی در علوم انسانی به نظر می‌آید باید وظایف این گروه‌ها را از نو و بر اساس رویکردهای جدید که محور اصلی آنها «نهضت کارآفرینی» است تبیین کرد و نقش بیشتری به آنها داد تا اهداف بیان‌شده تحقق یابد. چراکه «دانشجویان» از هنگام ورود تا خروج با گروه آموزشی سروکار دارند. طبیعی است که گروه کارکرد اساسی در تربیت علمی و فرهنگی دانشجویان و تربیت افراد کارآفرین برای آینده دارد. با وجود این، با این‌همه تغییرات علمی و رویکردهایی که در دنیا و ایران رخ داده‌است، در شرح وظایف گروه‌ها و به‌طور خاص گروه زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های کشور تغییرات عملی صورت نگرفته‌است. توجه به عناصر و اجزای مؤثر بر ترویج کارآفرینی در گروه‌های آموزشی و ازجمله گروه زبان و ادبیات عربی به این دلیل که بیشتر دانش‌ها و منابع علوم انسانی به این زبان است، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. آگاهی از این عوامل،

پیش‌زمینه تهیه و اجرای برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌هاست. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۴. نوع آموزش‌های موردنیاز رشته

نظرسنجی‌های استاندارد و غیراستاندارد و آمار رسمی و غیررسمی درباره میزان مطلوبیت زبان عربی بین دانش‌آموزان و دانشجویان، حاکی از عربی‌گریزی زبان‌آموزان است. کاربردی نبودن این زبان و قواعد پیچیده آن، پاسخ‌گو نبودن به نیازهای زبانی فراگیران، نداشتن شناخت کافی از علوم زبان عربی و اهمیت ارتباطش با زبان فارسی، ناآگاهی از کاربرد درست این زبان و... باعث شده زبان‌آموز نتواند بین آنچه آموخته و نیاز خود، ارتباط برقرار کند. وی نمی‌تواند آموخته‌های خود را به کار بندد. دانش‌زبانی او عملاً مشکل او را حل نمی‌کند. بنابراین از آنجاکه زبان عربی، زبان شبکه ارتباطی علوم انسانی ماست، عربی‌گریزی دانش‌آموزان و دانشجویان ما تأثیر مستقیمی در فاصله گرفتن آنان از علوم انسانی دارد. حساسیت فراگیران ما به زبان عربی ناشی از طبیعت این زبان نیست، بلکه برخاسته از نحوه عرضه این زبان و شیوه‌های آموزشی آن است؛ بنابراین باید روش‌های آموزش و تدریس متناسب با پیشرفت علم و فناوری تغییر کند تا تحولی جدی در زمینه آموزش ایجاد نماید (بنت عبدالرحمن، ۲۰۰۵: ۲۳). شیوه‌ها و روش‌های آموزشی که مبتنی بر نیازهای آموزشی و کارآفرینی دانشجویان باشد، وجود یک رهیافت علمی مناسب در زمینه ترویج کارآفرینی، قبول این آموزش‌ها به وسیله دانشجویان رشته و... از جمله مواردی هستند که در اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی تأثیرگذارند.

از آنجایی که توافق عمومی در زمینه مفهوم کارآفرینی در نظام آموزش عالی وجود ندارد، در نتیجه اهداف متنوع و گسترده از سوی محققان و نویسندگان در این زمینه بیان شده‌است. اما در بسیاری از مدل‌های آموزشی ارائه شده در آموزش عالی، توسعه رفتار و ویژگی‌های کارآفرینانه، یکی از اهداف آموزش کارآفرینی بیان شده‌است. برای نمونه گیسپ (۱۹۹۰) اعتقاد دارد آموزش‌های کارآفرینی به دنبال بهبود و ایجاد انگیزش در گرایش‌های

افراد همچون فرصت جویی، ابتکار، مخاطره پذیری و... هستند. در این خصوص رینولد (۲۰۰۰)، ایجاد انگیزه در افراد را از جمله اهداف آموزش کارآفرینی بیان می‌کند. وی این تأثیرگذاری را به چند دلیل می‌داند: اول آنکه افراد را با حس خودمختاری، استقلال‌طلبی، و عزت‌نفس تربیت می‌کند که این کیفیت‌ها در تأسیس یک مؤسسه کارآفرین تأثیرگذار است. دوم آنکه افراد را نسبت به گزیدارهای انتخاب شغل آماده می‌کند و در نهایت آموزش با ایجاد دانش و آگاهی در افراد به آنها در شناسایی موقعیت‌های کارآفرینی کمک می‌کند.

هر دورانی آموزش‌های خاص خود را می‌طلبد. آموزش باید کامل‌ترین شکل علم و دانش مربوط به هر رشته را در نظر گرفته باشد. این بسیار ساده و روشن است که آموزش هر قدر به‌روزتر و تازه‌تر باشد، دانشجو نیز به‌روزتر و تواناتر خواهد بود. اگر به این نکته توجه نشود، دانشگاه چیزی نخواهد بود جز یک کتابخانه با کتاب‌هایی که عده‌ای به نام استاد مدام آنها را تکرار می‌کنند. متأسفانه به نظر می‌آید که دانشگاه‌های ایران سال‌هاست دچار مشکل به روزرسانی برنامه‌های خود شده‌اند و هنوز برنامه‌ها را بر اساس واژه‌ها و معناهای موجود در لغت‌نامه‌های گذشته تنظیم می‌کنند. از طرفی در ایران هیچ‌وقت به عربی به مثابه زبان خارجی نگاه نشده‌است؛ شاید این امر به دلیل مشترکات آن با زبان فارسی باشد. درحالی‌که باید جای رشته زبان و ادبیات عربی در دانشکده زبان‌های خارجی و در کنار دیگر زبان‌های خارجی مثل فرانسه، انگلیسی، آلمانی، و مانند آن باشد و مورد مطالعه و آموزش قرار گیرد. با وجود این، مشاهده می‌کنیم که نه تنها عربی به مثابه زبان خارجی در نظر گرفته نشده‌است، بلکه به کلی از آن شیوه که برای تدوین و آموزش دیگر زبان‌ها استفاده می‌شود دور است و غریب می‌نماید.

شیوه آموزشی زبان عربی در ایران سنتی است، درحالی‌که شیوه‌های زبان‌آموزی در دنیا به کلی دگرگون شده‌است. اساس مشکل ما در آموزش زبان عربی، در رویکرد و نگاه ما به این زبان است. جهان امروز نگاهی کارکردگرا و زایشی به زبان دارد؛ زبان یک مهارت تعریف می‌شود که مبتنی بر چهار مهارت شنیدن و گفتن / خواندن و نوشتن است. نگاه و رویکرد ما به زبان باید تصحیح شود و در پی آن به تدریج شیوه‌ها و فنون آموزش آن نیز تغییر یابد و این تغییر، باید بنیادی و از پایه باشد.

برنامه درسی کارآفرینی از نظر ماهیت باید مبتنی بر رویکرد چندرشته‌ای باشد. این برنامه باید قواعد پیچیدگی علوم را نشان دهد و همان‌گونه که افراد دارای استعدادها، انگیزه‌ها و هویت‌های پیچیده‌اند، این برنامه نیز باید نیازهای متنوع آنها را مرتفع کند (لوسزکیو، ۲۰۰۸: ۷۰). لوسزکیو (۲۰۰۸) برنامه‌ای درسی برای کارآفرینی ارائه می‌دهد که چهارچوب یادگیری در آن شامل سه حیطه است: یادگیری درباره کارآفرینی، یادگیری برای کارآفرینی و یادگیری از طریق کارآفرینی. این برنامه یادگیری مبتنی بر محیط جامعه است که مهارت‌های کارآفرینی را تقویت می‌کند و قابلیت اجرا در سطح مدارس و دانشگاه را دارد. مبنای یادگیری در این برنامه انجام دادن آن به وسیله دانش‌آموزان و دانشجویان زبان‌آموز و زمینه انجام آن، سطح مدارس و دانشگاه‌های کشور است.

بنابراین گروه‌های زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌ها می‌بایستی با هماهنگی ساختن نظام آموزشی متناسب با واقعیت‌ها و نیازهای جامعه و بازار کار، برای خلق فرصت‌های اشتغال برای نسل‌های آینده و در نتیجه توسعه اقتصادی کشور گام بردارند (عبدالسلام، ۲۰۰۲: ۱۶۱)؛ بنابراین می‌توان از طریق آموزش‌های کارآفرینی متناسب با نیازهای رشته زبان و ادبیات عربی که ضروری‌ترین عامل دادوستد علمی و فرهنگی در بیشتر رشته‌های علوم انسانی است، در جهت ایجاد و تقویت قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان این رشته گام برداشت و درصدد رفع مشکل اشتغال دانشجویان این رشته برآمد. چراکه دانشجویان کارآفرین با آموزشی که می‌بینند بهتر می‌توانند فرصت‌های اقتصادی سودمند و جدید را تشخیص دهند (شریف‌زاده، ۲۰۰۵).

۲-۴. بازنگری و تغییر سرفصل‌های درس‌ها متناسب با نیازهای جامعه

بالا تر بودن نرخ بیکاری جوانان دانش‌آموخته در مقایسه با جوانان فاقد تحصیلات عالی، نشان‌دهنده ضرورت بازنگری و ارزیابی برنامه‌های کلان آموزش عالی است. هزارجریبی نیز (۱۳۸۳: ۱۰۷) به نداشتن بازدهی اقتصادی لازم در آموزش عالی اشاره می‌کند و ثمره آن را گسترش بیکاری میان تحصیل‌کرده‌ها و هدر رفتن هزینه‌های اجتماعی در آموزش عالی بیان می‌کند. بر این اساس است که توجه به کارآفرینی رسالتی اساسی برای دولت و مؤسسات آموزشی قلمداد می‌شود. امروزه بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت و به‌خصوص متخصصان

آموزش عالی، آموزش و توسعه کارآفرینی را یکی از رسالت‌های مؤسسات آموزش عالی می‌دانند. در این راه برنامه درسی، ظرفی است که دانشجو در طی مدت تحصیل، درون آن غوطه‌ور می‌شود و به صورت آشکار و پنهان در معرض کلیت برنامه و مؤلفه‌های آن قرار می‌گیرد. بر این اساس است که هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی (مدرس، دانشجو، محیط فیزیکی، زمان‌بندی، محتوا، روش تدریس، روش ارزشیابی، و قوانین و مقررات) می‌توانند به صورت مجزا و یا در تعامل با دیگر مؤلفه‌ها، بر ایجاد و تحول روحیه کارآفرینی اثرگذار باشند. بنابراین از طریق بازشناسی نقش هریک از مؤلفه‌های برنامه، اثربخشی آنها در مسیر تحول روحیه کارآفرینی مشخص شده، شیوه و اولویت بازنگری و تدوین برنامه‌های آینده روشن می‌شود. این موضوع به صراحت در اهداف و مواد «آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها» مصوب ۷۹/۲/۱۰ ذکر شده‌است. در ماده ۱، اهداف این آیین‌نامه چنین ذکر شده‌است:

الف) انطباق هرچه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه؛

ب) نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها؛

پ) روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری؛

ت) تناسب بیشتر برنامه‌های درسی با امکانات و توانایی‌های دانشگاه‌ها.

در ماده ۴ آمده‌است: «دانشگاه می‌تواند در چهارچوب آیین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر درس‌های رشته‌های موجود در آن دانشگاه اقدام کند».

توانایی زبانی دانشجویان فارغ‌التحصیل نیز گویای این مسئله است که وضعیت زبان عربی در دانشگاه‌ها بهتر از آموزش و پرورش نیست؛ با این رشد کمی و کیفی برنامه‌ها و روش‌ها و ابزارها، آیا رشته‌های علوم انسانی - حتی ادبیات عربی - می‌توانند ادعا کنند که در امر برنامه‌ریزی، تدوین و آموزش زبان عربی به حداقل‌های خود دست یافته‌اند؟! برون‌داد این رشته‌ها چیست؟ برنامه‌ریزی‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، جز تغییرات جزئی در عناوین و کاستن و افزودن برخی درس‌ها، تحولی به خود ندید. سرفصل‌ها و عناوین تعدادی از درس‌ها و منابع آنها تاریخ پنجاه‌ساله دارند. دانشجو با وجود گذراندن حدود ۴۰ واحد درسی،

از صرف و نحو، بلاغت، متون نظم و نثر و... - حدود ۶۰۰ ساعت درسی - با زبان عربی کاملاً بیگانه است؛ نه مهارت شنیداری دارد، نه گفتاری، نه خواندن، و نه نوشتن.

به طور خلاصه و کلی، با توجه به اینکه رشته‌های دانشگاهی به سمت کارآفرینی و خوداشتغالی گام برمی‌دارند و از سوی دیگر امروزه برخلاف گذشته تمام فارغ‌التحصیلان این رشته در آموزش و پرورش استخدام نمی‌شوند و همچنین برای جذاب و به‌روز ساختن این رشته، ضروری است به سمتی برویم که رشته‌های کارآمد، کارآفرین، باارزش، و مفید برای جامعه و دانشجو و حتی اساتید زبان عربی داشته باشیم.

در این راه سرفصل‌های موجود در رشته زبان و ادبیات عربی که اکنون در بیشتر دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شوند در زمینه‌های زیر نیاز به بسط و توسعه دارند:

الف) توسعه گرایش‌های ترجمه‌ای: بیشتر متونی که در این ماده ترجمه می‌شوند گرایش مطبوعاتی و سیاسی دارند، حال آنکه نیاز است دانشجو با متون اقتصادی، گردشگری و سفرنامه، متون تکنیکی و مرتبط با فناوری، قانونی و حقوقی، تقاضانامه‌ها، و ترجمه مدارک استخدامی، آگهی‌ها، نامه‌های مربوط به عرضه و تقاضای کالا، حواله‌ها، صورت‌جلسه‌ها، نامه‌های مربوط به تأخیر ورود و یا نقص کالا، پیام‌های تلکس و تلفنی، اسناد پولی، بانکی، و گمرکی آشنا شود. ضمن اینکه فراگیران تاحدی باید مهارت ترجمه فوری یا هم‌زمان را نیز بیاموزند و همچنین نظریات جدید نیز مطالعه شود.

ب) ایجاد سرفصل جدید گزارشگری: با گسترش روزافزون رسانه‌های گروهی نیاز به گزارشگران متبحر نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین لازم است این ماده در سرفصل‌های این رشته گنجانده شود. دانشجو در ضمن این ماده می‌تواند با دیگر رسانه‌های گروهی نیز آشنا شود.

پ) افزودن سرفصل تبلیغات و بازاریابی: این ماده می‌تواند در راه اشتغال‌زایی و خوداشتغالی نقش بسیار مهمی ایفا کند.

ت) آشنایی با کشورهای عربی، تاریخ خاورمیانه و خاور دور: چنانچه آشنایی با یک زبان توأم با آشنایی با گویش‌وران اصیل آن زبان و همچنین فرهنگ و آداب و رسوم و مکاتب فکری اهل آن باشد، علاوه بر اینکه دانشجویان در مبحث زبان‌آموزی موفق‌تر خواهند بود در زمینه ارتباطات خارجی که ممکن است در آینده محقق شود نیز موفق خواهند بود.

ث) ایجاد و افزودن سرفصل ادبیات نمایشی و ادبیات سینمایی: کسب مهارت در این ماده این قدرت را به فارغ‌التحصیل می‌دهد که بتواند در صداوسیما برای ترجمه فیلم‌های عربی یا برگردان فیلم‌های فارسی به عربی فعالیت کند.

بنابراین گروه‌های زبان و ادبیات عربی می‌توانند با توجه بیشتر به بخش‌های متن‌محور در کتاب‌های درسی و درج درس‌هایی مانند مهارت‌های ترجمه، ترجمه هم‌زمان، ترجمه از فارسی به عربی، آشنایی با اصطلاحات تخصصی، کارگاه ترجمه، فن آوری‌های نوین و... در دوره دبیرستان، زمینه‌های ایجاد تغییر در دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به خشک و قواعدمحور بودن زبان عربی را فراهم کنند و از نتایج به‌دست‌آمده آنها در آموزش زبان عربی در دوره‌های دانشگاهی استفاده شود (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۳۹). همچنین گروه‌های زبان و ادبیات عربی می‌توانند با بازنگری اساسی در دروس رشته زبان و ادبیات عربی بر اساس زمینه‌های شغلی مرتبط و نیازهای کشور درس‌های مانند فناوری ارتباطات و عربی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای علمی عربی، متون اقتصادی (شامل آموزش کارآفرینی متناسب با نیازهای رشته) و مانند آن را برحسب نیاز در برنامه درسی دانشگاهی جای دهند (میرزایی و سلیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

۳-۴. استفاده از اساتید مجرب

از جمله سؤالاتی که در هنگام تصمیم‌گیری در زمینه تلفیق آموزش کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی مطرح می‌شود، این است که چه کسی باید درس‌های کارآفرینی را تدریس کند؟ آیا مدرسانی که فاقد تجربه کارآفرینانه و یا فاقد تجربه کار با کارآفرینان هستند قادرند مدرسانی اثربخش باشند؟ شایستگی‌های موردنیاز مدرس کارآفرینی کدامند؟ تعدادی از محققان بر این عقیده‌اند که بیشتر معلمان و مشاوران مدارس و حتی دانشگاه‌ها، روح کارآفرینانه ندارند؛ زیرا در یک نظام بسیار سازمان‌یافته مشغول به فعالیتند (میلر، ۱۹۸۳). همچنین کنت معتقد است مدرس نقش اساسی و کلیدی در آموزش کارآفرینی ایفا می‌کند. از دیدگاه وی، مدرس آموزش کارآفرینی بایستی از لحاظ روش‌های تدریس کاملاً انعطاف‌پذیر باشد.

بنابراین حتی اگر شیوه‌ها متحول شود ولی معلم وظیفه خود را به درستی انجام ندهد باز

مطلوب حاصل نمی‌شود؛ چون معلم نقش پررنگی در تحول دارد. اوست که الگو و جهت‌دهنده است و می‌تواند زیبایی زبان عربی را برای مخاطبان عینیت بخشید و شیوه‌های نوآوری و کارآفرینی در این زمینه را بیان کند. بنابراین، با توجه به نقش مهم استاد در برطرف کردن ضعف دانشجویان، باید خود او نیز به‌خوبی آماده شود تا بتواند رسالتش را آن‌گونه که انتظار می‌رود اجرا کند (النصار، ۲۰۰۶: ۶).

۴-۴. توجه به ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان

پژوهشگران زیادی تلاش کرده‌اند تا ویژگی‌های کارآفرینانه و عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینان را مطالعه کنند. بیشتر اندیشمندان معتقدند کارآفرینی اساساً ذاتی نیست، چراکه افراد با قرارگرفتن در محیط‌های آموزشی و اطلاع از ویژگی‌های کارآفرینی می‌توانند این خصوصیات را در خود به وجود آورند یا تقویت کنند. بدین معنی که کارآفرینی از طریق خلق فرصت و شبکه‌سازی با کارآفرینان و افراد حرفه‌ای در جامعه صورت می‌گیرد. فلسفه چنین برنامه‌ای این است که کارآفرینی برآمده از ویژگی‌های درونی فرد است نه ایده‌های کسب‌وکار. ایجاد شخصیت کارآفرین نیازمند رویکردی فردی است. این نکته مهم است که افراد ماهیت فعالیت کارآفرینی خودشان را از طریق نوآوری، خوداشتغالی و یا مالکیت کسب‌وکارهای کوچک کشف کنند. بنابراین برنامه درسی کارآفرینی باید با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه تدوین شود. اچ ناندان (۱۳۸۶) به نقل از *آرنولد کوپر* عوامل مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان را شامل: سن، تحصیلات، تجربه حرفه‌ای و زمینه خانوادگی می‌داند. از عمده ویژگی‌های روان‌شناختی مؤثر بر کارآفرینی افراد می‌توان به مواردی مانند: برخورداری از مرکز کنترل درونی، موفقیت‌طلبی، مخاطره‌پذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت و نوآوری و... اشاره نمود (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳: ۸۸).

۴-۵. ایجاد گرایش‌های میان‌رشته‌ای

تحقیقات میان‌رشته‌ای نتیجه همکاری دو یا چند رشته دانشگاهی برای حل یک مسئله علمی

است که در دوران رواج تخصص‌گرایی و در عصری که بین متخصصان رشته‌های مختلف فاصله افتاده‌است، نگاهی وحدت‌گرایانه به دانش بشری دارد و درصدد ایجاد ارتباط منطقی بین علوم و پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی است که رشته‌های تخصصی به‌تنهایی نمی‌توانند جوابی برای آنها پیدا کنند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۹۰). برخی نیز این اصطلاح را شکلی از تعامل بین دو یا چند رشته علمی دانشگاهی می‌دانند که مباحث مربوط به سطح، نوع، هدف، و تأثیر این تعامل بسیار گسترده و متنوع است. بعضی از منتقدان مترادف‌هایی چون «پاراشسته‌ای»، «ضدرشته‌ای» یا «فرارشته‌ای» را رساتر می‌دانند؛ اما نمی‌توان اصطلاح «میان‌رشته‌ای» را با «چندرشته‌ای» مترادف دانست؛ زیرا «چندرشته‌ای بودن متضمن در کنار هم قرارگرفتن دو یا چند رشته علمی است، همچون تدریس گروهی مدرسان حوزه‌های مختلف در یک زمینه موضوعی؛ درحالی‌که بین‌رشته‌ای بودن مستلزم یکپارچگی و تغییر شکل نظام و حوزه علمی پیشین و ایجاد شکل‌های تازه‌ای از دانش است» (رهادوست، ۱۳۸۲: ۱۹۶-۱۹۵).

کارآفرینی نیز موضوعی میان‌رشته‌ای است که رشته‌های علوم انسانی همچون اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت در تکامل آن نقش اساسی داشته‌اند (مقیمی، ۱۳۸۱: ۲). از آنجاکه نقش و جایگاه علوم انسانی - با محوریت انسان - در رشد و بالندگی فرهنگ‌ها یا انحطاط تمدن‌ها، غیرقابل تردید است، تدوین برنامه‌های آموزشی علوم انسانی، یکی از پرچالش‌ترین برنامه‌ریزی‌های هر کشور است. در ایران نیز از همان سال‌های نخستین انقلاب اسلامی - که با شعار انقلاب فرهنگی و فکری همراه بود - درباره علوم انسانی، برخی تردیدهای جدی وجود داشت و این خود پیش‌درآمدی بر شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی شد.

صرف نظر از اینکه مقصود ما از علوم انسانی، علوم عقلی (فلسفه، منطق، ریاضیات، و...)، یا علوم دینی (فقه، اصول، تفسیر، حدیث، و...)، یا علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و...)، یا ادبیات فارسی و عربی، یا تاریخ و جغرافیا، یا فرهنگ و تمدن باشد، نکته مهم این است که بی‌گمان زبان علمی بیشتر این دانش‌ها و همچنین زبان بیشتر منابع آنها عربی است.

نکته مهم دیگر نقش پررنگی است که زبان در مطالعات علمی رشته‌های مختلف علوم

انسانی دارد. زبان آینه‌ای است که فرهنگ گویش‌وران آن را منعکس می‌کند و یکی از عوامل پیونددهنده اقوام و ملت‌ها به هم و همچون ظرفی است که اندیشه، فرهنگ و تمدن یک ملت را در خود جای می‌دهد و حلقه اتصال گذشته و حال یک ملت است (خاقانی، ۱۳۸۵: ۱۹). بنابراین اهمیت زبان عربی در مطالعه علوم انسانی لزوم توجه هرچه بیشتر به آن را آشکار می‌کند. زبان عربی از یک سو زبان کتاب جاودان الهی و میراث پربهای اسلامی شامل حدیث، تاریخ، تفسیر، و دیگر دانش‌هاست، و از سوی دیگر زبان دینی مسلمانان است که در جایگاه زبان فرهنگی و نقطه مشترک آنان استفاده می‌شود. علاوه بر این، جمعیت انبوهی با وجود تفاوت‌های دینی از خاورمیانه تا شمال افریقا هر روز به این زبان تکلم می‌کنند و با گسترش وسایل ارتباط جمعی، همچون شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، مجلات، و نشریات متعدد، روزبه‌روز بر دامنه نفوذ آن افزوده می‌شود. همه این موارد اهمیت فراگیری و استفاده از این زبان را دوچندان می‌کند (<http://stadhakimi.com>). در حال حاضر تقریباً بیش از ۶۳۰ شبکه تلویزیونی عربی در کنار ده‌ها خبرگزاری و صدها شبکه رادیویی و هزاران سایت اینترنتی عربی در روند شکل‌گیری افکار عمومی جهان عرب به‌ویژه نسل کودک، نوجوان، و جوان تأثیر بسزایی دارند. بر اساس نظر برخی از کارشناسان، در سال جاری میلادی تقریباً ۱۰۰ شبکه تلویزیونی عربی جدید تأسیس خواهد شد. در نتیجه، تربیت دانشجویانی که بتوانند مواد لازم رسانه‌های مکتوب، شنیداری، و دیداری برای مخاطبان جهان عرب را نه تنها ترجمه بلکه بازسازی، تولید، و تأمین کنند و پس از کسب آموزش و تجربه‌های لازم در عرصه‌های رسانه‌های عربی داخلی و خارجی حضوری مؤثر و فعال یابند، مفید بلکه ضروری است (حاتمی، ۲۰۰۹).

بنابراین گروه زبان و ادبیات عربی می‌تواند با همکاری گروه‌های زبان و ادبیات فارسی، اقتصاد، الهیات، تاریخ فلسفه اسلامی و... گرایش‌های بین‌رشته‌ای مانند ادبیات تطبیقی، اقتصاد خاورمیانه و شمال افریقا و آینده‌پژوهی سیاسی خاورمیانه، فلسفه و تمدن اسلامی، فرهنگ و علوم قرآنی با همکاری گروه الهیات و همچنین ایجاد مرکز زبان‌شناسی با همکاری گروه‌های ادبیات فارسی و زبان‌شناسی و باستان‌شناسی در دانشگاه ایجاد کنند که در تولید دانش، ایجاد مهارت لازم برای دانش‌آموختگان مؤثر باشد (میرزایی و سلیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

در این زمینه انعطاف‌پذیری روانی و داشتن سعه صدر برای ایجاد تعامل با سایر رشته‌ها از لوازم رویکرد میان‌رشته‌ای است؛ برعکس، خودمحوری شناختی و عاطفی از زمینه‌های روان‌شناختی حصرگرایی‌اند که بدون رفع آنها مطالعه میان‌رشته‌ای امکان تحقق نمی‌یابد. محقق باید ذهن خود را برای حرف‌هایی که دیگران زده‌اند باز کند و سعه صدر داشته باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل انکار رهیافت سایر رشته‌ها، نبود زبان مشترک است؛ بنابراین مطالعه میان‌رشته‌ای تاحدودی محتاج فعالیت در سطح ارتباط کلامی و منطقی است و سرانجام اینکه برای دستیابی به رویکرد میان‌رشته‌ای باید به ایجاد مدل منطقی برای ارتباط دادن زوایای مؤثر بین رشته‌ها توجه کرد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۲۵۵-۲۵۴).

۵. نتیجه‌گیری

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که سرعت زندگی و تحول در آن بسیار زیاد است؛ به‌گونه‌ای که هر روز اختراعات و اکتشافات جدیدی پدید می‌آید و به تبع آن شیوه‌ها و عملکردهای زیستی نیز تغییر می‌کند. زبان نیز که همانند موجودی زنده است، از همین مقوله به شمار می‌آید و باید محتوا، مضامین، و حتی شکل آن مطابق با عصر حاضر باشد؛ در غیر این صورت تکرار مکررات و مثنی اطلاعات و محفوظات قدیمی، کهنه، و بدون کارایی خواهد بود. زبان عربی هم از این قاعده مستثنا نیست و از آنجاکه همچنان این رشته به شکل سنتی تدریس می‌شود، ضروری است تغییر و تحولاتی در برخی از سرفصل‌ها و شیوه‌های تدریس صورت گیرد تا زمینه‌ساز دلسردی دانشجویان و پیامدهای جبران‌ناپذیر نشود.

کارآفرینی رهیافتی جدید در نظام آموزش دانشگاهی است که همراه با آشکار شدن نقش و تأثیر آن بر روند اشتغال‌زایی، تلاش برای آموزش و ترویج آن در دانشگاه‌ها بیشتر شده است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی به‌گونه‌ای تدوین شوند که توأم با درنظرگرفتن توانمندی‌های فردی دانشجویان، شرایط لازم را برای رشد و تقویت این ویژگی‌ها در آنها فراهم آورند. برای آنکه دانشگاه بتواند نقش خود را در توسعه و ترویج کارآفرینی ایفا نماید، ابتدا خود، باید کارآفرین باشد. منظور از این کارآفرینی، تغییراتی است که لازم است برای حرکت به سوی ترویج کارآفرینی در خود ایجاد کند. این تغییرات می‌تواند در

ساختار گروه‌های آموزشی، نظام و محتوای برنامه‌های آموزشی، تغییر فرهنگ اعضای دانشگاه و ترویج فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه صورت گیرد.

گروه‌های آموزشی از ارکان اصلی و اساسی هر دانشگاهی به شمار می‌روند و صاحب نظران و نخبگان هر رشته را در خود جای داده‌اند؛ بنابراین باید محور اصلی کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان، تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی باشد. این امر با هدفمند کردن گروه‌های آموزشی از طرف وزارت علوم و با ارائه برنامه پیشنهادی و با مشاورت خود گروه و اعضای آن امکان‌پذیر است.

رشته زبان و ادبیات عربی از جمله رشته‌های تحصیلی در ایران است که دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان آن توانایی‌ها و مهارت‌های لازم را برای راه‌اندازی کسب‌وکار مناسب ندارند. همچنین فضای کسب‌وکار برای فارغ‌التحصیلان این رشته در حال حاضر وضعیت مناسبی ندارد؛ بنابراین گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور برای سروسامان بخشیدن به وضعیت اشتغال، کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان این رشته باید برنامه‌های زیر را مدنظر داشته باشند:

- مطالعه دقیق سرفصل‌های درس‌ها و تلفیق آموزش‌های کارآفرینی در برنامه درسی گروه‌های آموزشی؛
 - ایجاد تغییرات اساسی در سرفصل‌های کتاب‌های درسی، دوره‌های تدریس و محتوای آموزشی؛
 - استفاده از استادان متخصص درس‌های کارآفرینی در کنار سایر استادان متخصص گروه‌ها و یا برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی برای استادان فعلی گروه‌های آموزشی به منظور افزایش روحیه انعطاف‌پذیری در آنها.
 - ایجاد رابطه مناسب بین اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان، برای بالا بردن انگیزه پیشرفت دانشجویان و در نتیجه تقویت روحیه کارآفرینی در آنها؛
 - پیگیری جدی در زمینه ایجاد گرایش‌های جدید و میان‌رشته‌ای به عنوان یکی از بسترهای مهم شکل‌گیری و توسعه قابلیت‌های کارآفرینی در دانشجویان رشته.
- بنابراین دانشگاه‌ها باید با تدوین برنامه‌های استراتژیک به سوی دانشگاه‌های کارآفرین

سوق داده شوند. این امر مستلزم بسترسازی مناسب همراه با اقدامات ساختاری و غیرساختاری است تا تفکر مدیریت کارآفرینانه در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها توسعه یابد که خوشبختانه زمینه آن در کشور فراهم است.

کتابنامه

الف) عربی

بنت عبدالرحمن، اسماء (۲۰۰۵)، «مستقبل التریبه و التعليم فی مالیزیا دراسة تطبیقیه فی جامعه العلوم الاسلامیه بمالیزیا، استشراف المستقبل، اوراق المؤتمر العلمی التاسع ۲۰۰۴، عمان . اردن، الطبعة الأولى، منشورات جامعه فیلادلفیا.

خاقانی اصفهانی، محمد (۱۳۸۵)، «العربیة المعاصرة فی خضم التطورات المتنوعة»، *مجلة العلوم الانسانیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة*، سال سیزدهم، شماره ۲.

عبدالسلام، مصطفی محمود (۲۰۰۲)، «برنامج الأمم المتحدة الإنمائی و الصندوق العربی للإیماء الاقتصادی و الاجتماعی تقریر التنمية الإنسانیة العربیة للعام ۲۰۰۲: خلق الفرص للأجیال القادمة»، *المستقبل العربی*، العدد ۲۸۶، صص ۱۶۱-۱۵۷.

النصار، صالح بن عبدالعزيز (۲۰۰۶)، «مناهج تعليم اللغة العربیة فی قفص الاتهام»، *الاقتصادیة الالکترونیة*، مكتب التریبة و التعليم بشرق طائف، ش ۵۶۷۱.

ب) فارسی

اچ. ناندان (۱۳۸۶)، *مبانی کارآفرینی*، مترجمان: اعظم شجاع‌صفت؛ عاطفه واثقی، مشهد: جهان فردا.

احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳)، *کارآفرینی؛ نظریات و الگوها*، چاپ پنجم، تهران: پردیس ۰۵۷.

احمدپور داریانی، محمود؛ سید محمد مقیمی (۱۳۸۵)، *مبانی کارآفرینی*، تهران: فراندیش.

احمدزاده، نسرین (۱۳۸۴)، *بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ‌التحصیلان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و

علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.

حاتمی، محمدرضا (۲۰۰۹)، «طرح تأسیس رشته زبان عربی گرایش رسانه»، تولید و تأمین شبکه بین‌المللی العالم، ۲۵ نوامبر.

رسولی، حجت (۱۳۸۴)، «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایش‌ها)»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۸-۴۷، صص ۵۸-۴۳.

رضائیان، علی (۱۳۸۵)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.

رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، «رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی»، زیباشناخت، شماره ۹.

سلیمی، علی (۱۳۸۶)، «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران (نقص‌ها، کاستی‌ها و راهکارها)»، مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور، دانشگاه بوعلی سینای همدان.

صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۸)، سازمان‌های کارآفرین، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۳)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، قم: حوزه علمیه قم.

متقی‌زاده، عیسی؛ دانش محمدی رکعتی؛ محسن شیرازی‌زاده (۱۳۸۹)، «تحلیل و بررسی عوامل ضعف دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی در مهارت‌های زبانی از دیدگاه استادان و دانشجویان این رشته»، جستارهای زبانی، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۱۵.

متقی‌زاده، عیسی؛ دانش محمدی رکعتی؛ محمدرضا نیکویخت (۱۳۸۹)، «بررسی میزان موفقیت بخش «کارگاه ترجمه» در کتاب‌های عربی دوره دبیرستان از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهرستان دورود»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۵، صص ۱۳۹-۱۱۳.

مقیمی، م. (۱۳۸۱)، «کارآفرینی موضوعی میان‌رشته‌ای و فراگیر»، ماهنامه بازاریابی، شماره ۲۲، ص ۲.

میرزایی، فرامرزی؛ سلیمی، علی (۱۳۸۹)، «نقش‌آفرینی گروه‌های زبان و ادبیات عربی در توسعه علمی دانشگاه‌ها»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۴، صص ۱۳۷-۱۱۹.

وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۷۲)، مجموعه قوانین آموزش عالی تا پایان ۱۳۷۱، چاپ اول، تهران.

هزارجریبی، ج. (۱۳۸۳)، بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

پ) انگلیسی

Adejimola AS, Olufunmilayo (2009), "Spinning off an entrepreneurship culture among Nigerian university students: prospects and challenges". Afr. J. Bus. Manage. 3, pp. 80-88

Gibb, A. (1990), "In pursuit of frameworks for the development" of growth models of the small business. International Small Business Journal. Vol, 19 No.1.

Luczkiw, Eugene (2008), "Entrepreneurship Education in an Age of Chaos, Complexity and Disruptive Change", OECD Education & skills.No. 18, pp. 65-93.

Miller, D. (1983), "The Correlates of Entrepreneurship in three types of firms". Management Science, 29, pp. 770-791.

Reynolds,p.D. (2000), "Entrepreneurship Monitoring:2000 Executive Report". Babson College, Kauffman Center for Entrepreneurial, leadership, Londin Business School.

Sharifzadeh, D & Zamani, A. (2005), "Gender as a Determinant of Small Business Performance: Insights from a British Study". Small Business Economics8 (6),463-478.

UNESCO (2003), "World Declaration on Higher Education for the 21 st Century: Vision and Action".

دور أقسام اللغة العربية للجامعات في خلق فرص العمل و تنميتها

مصطفى جوانرودى^{١*}، نسيم شريفى^٢

١. الاستاذ المساعد فى قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة پیام نور

٢. طالبة فرع اللغة العربية و آدابها فى مرحلة الماجستير بجامعة پیام نور

الملخص

إشاعة ثقافة خلق فرص العمل اتجاه جديد انظام التعليم العالى. من التحديات التي تواجه المجتمعات المختلفة هو أنّ خريجي الجامعات يفتقرون إلى المهارات الفردية اللازمة لبدء عمل جديد يناسب شهاداتهم الجامعية. فلابدّ للمتخرج أن يتسلح بثقافة خلق فرص العمل أثناء تعليمه الجامعي. هذا و المشكلة الرئيسية في تعليم اللغة العربية في الجامعات الإيرانية هي فقدان خطة عملية للمستقبل و إذا لم تتغير نظرنا إلى اللغة العربية فإن أي تغيير في المواضيع و الأساليب و التقنيات، لن تكون ذات فاعلية، فاللغة العربية تتمازج تماما مع اللغة الفارسية بالإضافة إلى أنّها لغة القرآن الكريم و العلوم الإسلامية أضف إلى ذلك أنّها تعتبر آلية لازمة للتبادل العلمي و الثقافي بين فروع العلوم الإنسانية كاللغة، و الفلسفة، و الاقتصاد، و التاريخ و الشريعة، و إلخ. لهذا يمكن لأقسام اللغة العربية في الجامعات الإيرانية تزويد الطلاب بروح خلق فرص العمل و تقوية إمكاناتهم الذاتية بطرق شتى منها: تعديل المقررات الدراسية و تقديم موادّ دراسية تواكب متطلبات العصر و المجتمع و استخدام الأساتذة المحنكين و الاهتمام بموهلات الطلبة الابداعية لإشاعة خلق فرص العمل حتى تتيح لهم مقدرة الابداع و تكهّن حاجات العصر و اتخاذ خطوات تتلائم مع أسواق العمل و توفر لمتخرجي القسم فرص الاشتغال.

الكلمات الرئيسية: خلق فرص العمل؛ اللغة العربية؛ التعليم العالى؛ إشاعة خلق فرص العمل.